

قسمت دوم سه کاف شماره سی

۹-حرف دل دختران

سلام ، تو این شماره هم میخوام با شما حرف بزنم. بعد از چاپ شماره قبلی، چند تایی از دوستان برابم نامه نوشته و یک سری نظرات رو بهم گوشزد کرده بودند، از جمله یک اقا پسری نوشته بود که همه پسرها بعنوان نگهبان خواهران خودشون نیستند و اضافه کرده بود که مهم این است که خواهر و برادر بتوانند در خانه با هم دوست و صمیمی بشوند و آنوقت خیلی از مشکلات فعلی حل میشوند. من هم با این دوست موافق هستم که این یک راه برای برخورد و حل مشکل است. ولی هر کدام از شما میتوانید راه حل خاص خودتان را پیدا کنید.

چندتایی از دختران هم نامه داده و گفته اند که بزرگترین مشکل آنها این است که تا با پسری دوست میشوند و هردو بهم میگویند که عاشق و کشته مرده هم هستن و وقتی اعتماد بوجود می آید، خوب دختر هم میخواهد راستگو و صادق باشد و به دوست پسرش اعلام میکند که باکره نیست، ولی در عوض یک برخورد درست، یک مرتبه پسره ول میکنه و میره. به نظر من، چه خوب که همچو پسرهای عقب مانده و با افکار قدیمی ول کنن و برن. اصلاً ارزش غصه خوردن هم ندارند. من مطمئن هستم که پسران با افکار سه کافیه که به پرده بکارت یا اینکه دوست دختر آنها قبلاً دوست پسر داشته یا نه، توجهی نمی کنن. چون یک انسان فهمیده و با عقل و دانش و منطق در واقع دانش، اخلاق، خصوصیات، محبت، علاقه و افکار یک دختر را معیار دوستی و ادامه آن و حتی ازدواج میداند نه یک تکه پرده نازک قایم شده لای پای دختر که اگر نباشد ول میکند و میرود.

به نظر من دختران و زنان ایرانی به همراه پسران و مردان با فرهنگ سه کافیه، به هیچوجه نباید تسلیم خرافات عده ای عقب مانده شوند و سکس و لذت جنسی را از خود محروم کنند.

اما برویم سر اصل مطلب این شماره.

خیلی از دخترها وقتی یک رابطه ای را با یک پسر شروع میکنند، همچی مطمئن نیستن که پسر اونو دوست داره یا نه.

به نظر من قبل از هرچیز شما بعنوان یک دختر در زندگی خود و در رابطه با دیگران باید به این نکات توجه کنید:

- همیشه سعی کن خودت باشی، از رل بازی کردن بپرهیز. این نه تنها

کشاکش و اختلاف درونی در شما بوجود نمی آورد بلکه حس احترام

دیگران به شما را افزایش می دهد چون متوجه میشوند که شما شخصیت

خاص خود را دارید و یاد میگیرند تو را همانطور که هستی بشناسند و به تو احترام بگذارند.

دخترانی که سعی میکنند، یک نقش و شخصیت دیگری را جلو دیگران بازی کنند، کمتر موفق هستند چون همینکه دوست پسر آنها فهمید که دختره اونی نیست که فکرش را میکرده، فوری راه خودش را جدا میکند. غیر از این، هیچکسی نمی تواند تا ابد خود نبودن و نقش بازی کردن را ادامه دهد و اینکار برای فرد خیلی ضرر دارد.

هیچ نسخه حاطر و آماده برای اینکه چه لباسی بپوشید، چطوری راه بروید یا چگونه صحبت کنید هم وجود ندارد. سعی نکن ادا درآوری. فقط خودت باش. کسانی که سعی میکنند در رفتار و گفتار غیر از آنی جلوه کنند که هستند، هم حالت ظاهری مسخره ای بخود میگیرند و هم اطرافیان آنها چه پسر و چه دختر خیلی زود متوجه میشوند و او را جدی نمی گیرند و پشت سر بهش می خندند. حتی اگر چنین دختری یک دوست پسر خوب هم پیدا کند، خواه ناخواه پسره خیلی سریع متوجه میشود که این همانی نیست که او میخواست و زود ول میکند.

پس پیشنهاد من به همه دختران این است که در تمام جهات زندگی، نقش بازی نکنید و همیشه خود باشید. حتی اگر دوست پسر شما هم بخواهد که شما طور دیگری باشید، قبول نکنید. این در دراز مدت نتیجه بهتری برای شما دارد. همچنین اینکار به شما کمک میکند که بدون توجه به غیبت های پشت سر، یا افکار دیگران، بتوانید روی پای خود بایستید و مستقل باشید و آنطور که خود میخواهید زندگی کنید.

به توقعات دیگران از خود، کمتر بها دهید، اگر همیشه خواسته اید در زندگی یک کاری بکنید، برو، دست بکار شو و از شکست احتمالی نترس.

سعی کن یاد بگیری استقلال کامل خود را همیشه حفظ کنی. یاد بگیرد بتوانید بطور تمام و کمال روی پای خود بایستید. همانطور که واقعاً هستی باش. برای خودت زندگی کن، کاری هم به این نداشته باش که دیگران خوششان می آید یا نه. یادت نرود به شیوه و روش زندگی دیگران هم احترام بگذاری و از قضاوت کردن یا محکوم کردن آنها بپرهیزی.

همه اینکارها آسان نیست، وقت میخواهد و اراده. مهمترین و اولین قدم شما باید این باشد که خود را بشناسی، بدانی چه را میخواهی و از چه خوست نمی آید، به خودت فرصت بده. آنوقت حتماً کسی پیدا میشود که شما را آنطور که هستی دوست خواهد داشت و مطمئن باش که چنین دوستی ای پایدار خواهد بود.

میخواهم بگویم که راز و کلید در درون خود شماست. و آن اعتماد به نفس،

آگاهانه انتخاب کردن و اینکه بدانید چه میخواهید، می باشد.
بعد از آن، پسری که خاطر خواه شماست و واقعاً شما را دوست دارد، دست به اینکارها میزند:

- سعی میکند خیلی از اوقات خودش را با شما بگذراند، حتی زمانی که فرصتش کم باشد.
- با شما شوخی میکند، سعی میکند با ادای یکسری کلمات، محبت و دوستی خودش را نشان دهد، حرفهای زیبا و قشنگ میزند.
- سعی میکند روی شما تاثیر خوب بگذارد، هی میخواهد به شما کمک کند.
- در جمع دوستان رفتار و برخورد خیلی بهتری با شما دارد.
- مرتب به دنبال شما میگردد یا از دوستان سراغ تو را میگیرد و گاهی از دوستان یکسری سئوالات درباره تو می پرسد.
- اگر مسئله ای پیش بیاید، از شما حمایت و دفاع میکند.
- هر وقت به او احتیاج داشته باشی، از کمک و پشتیبانی دریغ نمی کند.
- یکسری جملات و کلمات جدی به شما میگوید، مثلاً "ای کاش مال هم بودیم".
- اگر امکانش را داشته باشد، به شما زنگ میزند که با شما صحبت کند، بدون آنکه حرف یا مطلب خاصی را بخواهد به شما بگوید.
- توی چشات خیره میشه اما وقتی ازش می پرسی، دلیلش را نمی گوید.
- وقتی با هم هستید، شاد و شنگول می باشد، می خندد، و سعی میکند تو را هم بخنداند و شاد کند.
- اگر امکانش باشد تا سر کلاس یا دم در خونه، تو را همراهی میکند.
- آگه با هم هستید، احساس راحتی میکنی و خیلی پر حرف میشوی،
- سعی میکند آروم بهت دست بزنه، و گاهی هدیه های کوچکی بهت میده.
- برات نامه میده یا ای-میل می فرسته.
- اگر ازش بخواهی که یک جایی بروید که او معمولاً نمی ره، یا ازش بخواه کاری انجام دهید که او معمولاً انجام نمی دهد ولی بخاطر شما، اینکار را میکند.
- و در آخر، یکمرتبه حس میکنی که تازگیها خیلی تو دل برو، مهربان و دوست داشتنی شده و دلت بیشتر برایش تنگ میشود.
- اینها همه نشانه این است که هر دو شما بهم علاقه دارید.
- یک چیز هم یادتان نرود و آن اینکه از دوستان خود نخواهید که از پسره بپرسند که آیا شما را دوست دارد یا نه. چون به احتمال قوی حقیقت را به آنها نخواهد گفت. اگر میخواهی بدانی، بهتر است که خودت بعد از مدتی، مستقیم از خودش بپرسی.
- اگر تا اینجا خوب پیش رفته و با هم هستید خودبخود به این نتیجه رسیده ای

که آیا به هم علاقه دارید یا نه.

مسئله مهم دیگر که باید به آن اشاره کنم این است که در باره سکس و نزدیکی جنسی با دوست پسر خود (هر چند که لیلی و مجنون هم باشید) اما اینجا هم استقلال و حق انتخاب خود را زیر پا نگذارید. اگر به سکس علاقه ندارید، اگر نمی‌خواهی از جلو یا عقب سکس داشته باشی، اگر می‌خواهی فقط به یک یا چند بوسه بسنده کنی، اینرا به او گوشزد کن. درباره افکار و قضاوت‌های خود با او صحبت کن و سعی کن با افکار او هم آشنا شوی. این به معنای صرف نظر کردن از یک سکس کامل نیست. اگر دلت می‌خواهد هرکاری را می‌توانید انجام دهید، حرف من این است که حق انتخاب و استقلال خودت را فراموش نکن. چرا که دو انسان مستقل قادرند رابطه دوستی و حتی سکسی بهتر و دوطرفانه را داشته باشند.

خیلی از افراد، چه پسر و چه دختر فقط برای سکس با هم دوست میشوند، اگر هر دو این رابطه را می‌خواهند، هیچ اشکالی ندارد، اما توی یکسری رابطه‌ها اینطوری پیش می‌آید که دختر خیلی احساساتی و رمانتیک میشود و به دوست پسرش دل می‌بندد اما به دلائلی نمی‌خواهد در این شرایطی که هست، سکس داشته باشد، در نتیجه پیشنهاد دوست پسرش برای سکس را رد میکند و پسر هم ول میکند و می‌رود. و دختری با یک دنیا احساسات جریحه‌دار شده و غم و غصه تنها می‌ماند. چندین نامه در این باره برایم رسیده. در جواب این دوستان بگویم که من شما را درک می‌کنم، جدایی همیشه سخت است، اما می‌ارزد که آن را به قیمت حفظ استقلال و شخصیت خودمان، تحمل کنیم، بخصوص که گذشت زمان حلال خیلی از مشکلات است. دوست شما مریم.

۱۰- کلاس نقاشی

من یک دختر ۲۰ ساله هستم، چند وقت پیش کلاس نقاشی خصوصی می‌رفتم که دختر و پسرا قاطی بودن. یکی از پسرای کلاس خیلی خوشگل بود به اسم علی، من هم خیلی ازش خوشم می‌اومد. معلم ما هم یه خانم بود. یه روز اتفاقی زودتر به کلاس رسیدم. گفتم صبر میکنم تا بچه‌ها بیان و با هم بریم تو. (چون اونجا یعنی محل کلاس تو خونه معلم برگزار میشد.) یه دفعه دیدم که لای در ورودی ساختمون یه کم بازه؛ رفتم تو. زنگ آپارتمان رو که زدم یه چند دقیقه‌ای طول کشید تا پونه (معلم نقاشی) اومد و در رو باز کرد. دیدم که سر و وضعش نامرتب است. منو که دید هول شد. گفت اه نازنین تو چرا اینقدر زود اومدی؟ گفتم آخه از جایی

اومدم و زود رسیدم، گفت آها، خوب بیا تو. فهمیدم که یه کاری داشته میکرده. رفتم تو، دیدم علی از دستشویی اومد بیرون. داشتم از تعجب شاخ درمی اوردم. به علی سلام کردم. دیدم خیلی آشفته است. پونه به من گفت برو تو کلاس مدل رو بذار و بکش تا من بیام. من هم رفتم تو کلاس. ده دقیقه ای گذشت، دیدم از علی و پونه خبری نشد. رفتم دم اتاق بغلی که درش بسته بود، دیدم از تو اتاق صدا میآد. آروم گفتم پونه جوون..... علی..... دیدم کسی جواب نمی ده. در رو باز کردم، دیدم به به، دوتایی حسابی مشغول عملیات هستن. علی داشت تند تند کس پونه رو می لیسید ولی هیچکدوم نفهمیدن که من دارم نگاهشون میکنم. اما از دیدن اون صحنه به حدی حشری شده بودم که ناخودآگاه مانتو و بلوزم رو در آوردم و شروع کردم با خودم ور رفتن. یه دفعه علی سرشو بلند کرد و منو دید. پونه هم فهمید و به من زل زد.... علی بلند شد و اومد سمت من. بغلم کرد، یه لبی ازم گرفت که لبام کش اومدن. منو آروم با خودش برد اونجا که پونه خوابیده بود. من هم رفتم سمت پونه؛ یکی از پستوناشو کردم تو دهنم و کونمو دادم به سمت علی. دیدم که علی داره با دستش سمت سوراخ کونم رو میماله. کونمو بیشتر دادم عقب که راحتتر بماله. بعد علی شلوارمو از پام درآورد و شرتمو کشید پائین و مشغول لیسیدن لپای کونم کرد. من هم مشغول خوردن پستونای پونه جوون بودم. پاهای پونه هم باز بودن و خیلی حشری بود، دیدم یه دفعه علی منو ول کرد و افتاد رو پونه و کیرشو درآورد و کرد تو کس اش. من هم بلند شدم و با دست شروع کردم به مالوندن چوچوله پونه. یه دفعه احساس کردم پونه ارضا شد. جیغ و داد پونه که قطع شد، علی کیرشو کشید بیرون و منو خوابوند. پونه هم افتاد رو من و شروع کرد به خوردن پستونام. علی هم اول یه کم لای پاهامو خورد و لیسید، بعد محکم کیرشو کرد تو کسم. دیگه داشتم از حال میرفتم. اونقدر تلمبه زد تا من ارضا شدم. بلافاصله بعد از من علی هم آبش اومد، کشید بیرون و ریخت تو دهن پونه. بعد سه تایی بلند شدیم و خودمونو مرتب کردیم چون دیگه بچه های کلاس یواش یواش می اومدن.

۱۱-ملاحظات شما (قسمت اول)

بوسه عید

(از سینا سمیل)

عید آمده از برای بوسه

از خانه و کوچه و خیابان

با بنده نده تو دست خالی

بر من بده از چغندر لب

هر بوسه که از لبی بگیرم

ایکاش به جان من بیفتد

روی چو مه تو کرده ما را

مرغ دل من نموده پرواز

هرجا که پریرخی ببینم

تنها نه منم که بوسه خواهم

با ریش بلند خود مکن بوس

چون یار نداده بوسه بر شیخ

دستی به دعا بلند کرده

صد شکر که روزهای نوروز

درد دل عاشقان شیدا

جان و دل من فدای بوسه

برگوش رسد صدای بوسه

کی دست گرفته جای بوسه

شیرینی جانفزای بوسه

خون میچکد از قفای بوسه

از لعل بتان بلای بوسه

بیچاره و مبتلای بوسه

در گلشن دلگشای بوسه

افزون شود اشتهای بوسه

هستند همه گدای بوسه

زیرا که رود صفای بوسه

بگرفته کنون عزای بوسه

حسرت زده در هوای بوسه

ارزان شده بس بهای بوسه

درمان شده با دوی بوسه.

نفی حقوق زنان

زنی هستم ۳۴ ساله، در سن ۱۳ سالگی به اصرار پدرم ازدواج کردم. بهتره کمی هم از وضع قبل از ازدواج بگم. پدر من خیلی خودخواه بود و اصلاً به حرفها و نصیحتهای دیگران توجه نمی کرد. مادرم زن با سواد و زحمت کشی بود. خلاصه از کلاس پنجم خواستگارها راهشون به خونه ما باز کردن. پدرم هم میخواست هر جور شده منو شوهر بده. بیست تایی خواستگار اومدن و رفتن، ولی حتی یکبار هم پدرم از من نخواست که نظر بدم. تا اینکه محمد اومد خواستگاری. من نمی دانستم که طرف کی هست، کجا زندگی میکنه و هیچ اطلاع دیگه ای هم ازش نداشتم. پدرم خودش برید و دوخت.. شب خواستگاری هم یه دست کتک مفصل از پدرم خوردم، چون فرداش من امتحان داشتم و نمی خواستم که چای واسه مهمونا ببرم. بهر بدبختی بود اون شب گذشت و سه ماه بعد منو به عقد محمد درآوردن. چندماه بعد که هنوز هم ۱۳ سالم بود و چپ و راستم را بلد نبودم، خونه محمد رفتم. تازه اول بدبختی و سیه روزی هام بود. محمد مردی شکاک و از خود راضی بود. همیشه به همه کس شک داشت، از اون بدتر اصلاً از روابط انسانی هیچی حالی اش نبود؛ فقط خودش سکس انجام میداد و تموم که میکرد، می رفت پی کارش. اصلاً من براش مهم نبودم، تازه خود من هنوز معنی سکس رو نمی دونستم. هشت ماه بعد ازدواج حامله شدم و در اول پانزده سالگی اولین فرزندم متولد شد، بدون اینکه خودم هم بفهم که حالا مادر شده ام و وظایف مادری و....

بیست سالم کامل نشده بود که چهارمین فرزندم بدنیا آمد. و بعد از اون بود که فهمیدم من عاشق شوهرم نیستم، دوستش ندارم و هیچ احساسی خوبی هم نسبت به او نداشتم. اینو به کی باید میگفتم؟ هیچ پناهی نداشتم و خیلی احساس تنهایی میکردم. باید میسوختم و می ساختم. شوهرم هم از اون آدمای خرافاتی و خشک بود که فکر میکرد فقط مردا تو این دنیا حق دارن.

باور کنین تو ۲۵ سالگی بودم که فهمیدم من هم نیاز جنسی دارم و به سکس احتیاج دارم، اما چکار باید میکردم، به کی میگفتم؟ من تو مسائل خودم درگیر بودم.

تو همین حول و حوش یکی از آشنایان خبر داد که شوهرم با یک زن دیگه رابطه داره، باورم نمی شد که اون به من خیانت کرده، چند نفر دیگه هم گفتن، تا اینکه ثابت شد آقا عقد هم کرده. به هر کی هم میگفتم که کمکم

کند، کسی کاری نمی‌کرد، آخه حکومت اسلامی این حق رو به مرد داده که چند زنه باشن، اما به زن که میرسن، اگه ببینن که اون هم به سکس احتیاج داره فوری سنگسارش میکنن. خالصه خواستم ازش طلاق بگیرم، اما چون بچه داشتیم و اینا، زنش رو طلاق داد و اومد خونه ولی من از محمد بیشتر از گذشته نفرت پیدا کرده بودم، اصلاً نمی‌تونستم تحملش کنم (هر کاری هم که میکردم اما نمی‌تونستم مقبله به مثل بکنم) . حالا مدتی است که ازش جدا شده‌ام اما با دلی شکسته، محزون، ناامید از هر جا رانده شده، جوونی بریاد رفته. حالا ۳۴ سال دارم اما تو این همه سال حتی یکبار هم نعمت و لذت سکس رو تجربه نکرده‌ام. دیگه نمی‌تونم عاشق بشم، چون دیگه از من گذشته.

جواب: سرگذشت شما، سرگذشت تلخ بسیاری از زنان و دختران ماست، معجونی از بی‌فرهنگی بخشی از مردان در همکاری با قوانین ارتجاعی، عقب‌مانده و قرون وسطایی رژیم آخوندها، چه بلاهایی که برسر مردم ما و بخصوص زنان ما آورده است. برای از بین بردن هر دو این مسائل باید تلاش کرد، زور زد و از پا ننشست و گرنه دختران نسلهای آینده ما هم همین سرگذشت را خواهند داشت.

اما تا آروز بیائیم همه دست بدست هم دهیم و:

- در انظار عمومی چندزنی را امری زشت و کریه معرفی کنیم. اگر کسی از رابطه زناشویی خودش راضی نیست، اول جدا شود و بعد همسر دیگری انتخاب نماید.

- زنان و دخترانی که این مطلب را میخوانند، به خود قول دهند که با مرد زن‌دار ازدواج نکنند.

- مردان و پسرانی که این را میخوانند به خود قول دهند که هیچوقت چندزنی را برای خود انتخاب نکنند.

- این را در بین دوستان، آشنایان، بستگان و..... تبلیغ کنید.

- برای لغو قوانین تبعیض آمیز مشترکاً با هم همکاری کنیم و رژیم را به عقب‌نشینی وادار نمائیم.

یک جواب خصوصی برای این خواننده عزیز ارسال کرده‌ایم اما همینجا به زانی که ممکن است چنین سرنوشتی داشته باشند میگوئیم که سکوت نکنید و برای تغییر شرایط تلاش کنید. از این گذشته برای عشق و لذت از زندگی هیچوقت دیر نیست.

پیام از زبان پسری دلسوخته برای همه دخترها

همه ما میدانیم که تو جامعه خفقان زده ما دخترها و خانمها راحتتر از پسرها و آقایون میتونن به سکس خود برسند. همین هفته گذشته که در تاکسی نشسته بودم، حس کردم که دختر محترم کناریم شهوتی و دنبال گمشده خود میگردد، به همین جهت از روی خیر خواهی برای طرفین فقط کمی رانم را به رانش نزدیک کردم که اگر پاسخ اندکی داد ادامه دهم، ولی چشمتان روز بد نبیند چنان با کلاسورش زد توی سرم که تا چند ساعت از هرچه کس تو دنیا هست، بیزار شدم. ولی چیزی نگذشت که در حال عبور در پیاده رو شلوغ دختر خانمی چنان سینه‌های متورم شده خود را به شونه و سینه‌ام مالید که حتی نوک متورم شده سینه‌هاش رو هم حس کردم. نگاهم را که برگرداندم، دیدم او هم برگشت و باخنده‌ای تشعشعات الکتریکی نگاهش را تا عمق وجودم نفوذ داد، چنان که گویی کیرم میخواست هر مانعی رو از بین بیره و خودش آزاد کنه، در آخر هم اینطوری شد و به آنچه میخواستم، رسیدم. پس نتیجه میگیریم که دخترها راحتتر میتونن کار کنن، پس لطفاً ما پسرها را اینقدر بدنبال خودتون ندوانید.

عجب حکایتی

من یک زنی هستم شوهردار ، هردوی ما تحصیل کرده و علاقمند به سکس ضربدری. توی چند شماره اخیر متوجه شدم که یک عده با این مسئله مخالف هستند و میخوانم نظر خودم را بگویم.

یکی از ریشه‌های بدبختی و عقبماندگی ما ایرانیها و کشور ما اینه که تو قرن بیست و یکم هم به چرندیاتی مثل غیرت و ناموس و اخلاق عهد عتیق باور داریم، هی تو کار همدیگه دخالت میکنیم، هی پشت سر هم حرف میزنیم، هی.....مردم کشورهای دیگر سالهای سال است که این چیزها را کنار گذاشته و مسائل خصوصی افراد را به خودشان واگذار کرده و بعد از این بود که به فکر توسعه، پیشرفت و اختراعات افتادند. ما ایرانیها هم از این نکبتی که درس هستیم، درنخواهیم آمد مگر اینکه این مسائل را کنار بگذاریم، دوست عزیز اگر تو یک اخلاق و یک شیوه زندگی داری و آن را می‌پسندی، مبارک باشد، کسی ازت نمی‌خواهد که آن را عوض کنی اما سعی نکن این معیارهای اخلاق خودت را به دیگران تحمیل کنی، یا حق

قضاوت به خود بدهی. اصلاً به شما چه که من و شوهرم به اختیار خودمان هر کاری که می‌خواهیم توی اتاق خواب خودمان و با هر کسی که مایل باشیم انجام دهیم. حتماً یکی می‌گوید این اخلاق و رفتار ما ایرانیها نیست و ما نمی‌توانیم آن را قبول کنیم، خوب، شما هم آخوند هستید، مگر آخوند فقط کسی است که عمامه رو سر دارد؟ والله نه، آخوند یک سیستم فکری است، فکر آخوندی امر به معروف و نهی از منکر دارد، هر چه خودش می‌گوید درست است و مانع دیگران میشود که هر چه بخواهند انجام دهند. می‌گوید اینکار شما ضد این است و ضد آن، می‌گیرد، می‌کشد و... شما هم در نهایت یک همچو سیستم فکری دارید. مسئله دیگه اینه که کی گفته که ما ایرانیها (۶۵ میلیون نفر) حتماً باید یک طور فکر کنیم، یک روش سکس داشته باشیم و مگر کشورهای دیگر که مثل ما نیستند چه بلایی سرشان آمده؟ نه تنها بلایی سرشان نازل نشده که به مراتب انسانهای آزادتر و کشور مدرن تر و پیشرفته تر دارند. در عوض ما قرن‌ها مثل هم فکر کردیم، به یک خدا اعتقاد داشتیم، یک روش سکس داشتیم و... به کجا رسیدیم؟ و کجا هستیم؟ بدبختی ما اینه که می‌گیم رژیم آخوندی خوب نیست چون آزادی نداریم ولی به نظر من فقط انسانهای آزاد شایسته آزادی هستند نه کسانی که از نظر ذهنی و فکری و اخلاقی خودشان یک دیکتاتور تمام عیار هستن. ما باید تعصبات خودمان دربارهٔ باکره بودن دختران، ناموس غیرت و... را کنار بگذاریم تا بتوانیم هم شهروندان آزادی داشته باشیم و هم فکر خود را بجای این چیزها، صرف کارهای مهم دیگر مثل آباد کردن کشور، کارایی، پیشرفت علم و تکنیک و... صرف کنیم. و گرنه همچنان در خم همین کوجه‌ای خواهیم ماند که هستیم.

خواهش یک جوان تبریزی از جوانان

من یه پسر ۲۵ ساله از شهر تبریز هستم، دوستان بیائید واقعاً به حریم دیگران احترام گذاشته و بزور نخواهیم با کسی دوستی کنیم. من اینجا هر روز شاهد چندین صحنه هستم که پسرهای می‌افتند دنبال دختران و هی پشت سر هم به آنها متلک می‌گویند و در آخر هم چندین فحش و اگر نتوانستند از پشت سر ایشان کارهای ناشایست انجام میدهند، یا در بازار بخصوص این روزها که به خاطر خرید عید شلوغ شده، خیلی از پسرهای بی فرهنگ از این موقعیت شلوغی سواستفاده میکنند.

من از شما خواهش میکنم که حریم دیگران را محترم بشماریم . سکس زمانی خوب است که هر دو طرف به انجام کار تمایل داشته باشند. بعدش هم یه صحبتی با دختران، چرا شما برای سکس داشتن اینقدر جوانها را پشت سر خود میگردانید و پسره باید جانش به لب بیاید تا شما راضی به دوستی شوید، یا چرا به محض اینکه با کسی دوست شدید، فوری میخواهید که طرف باشما ازدواج کند؟ شاید پسری نخواهد ازدواج کند و فقط مایل است یک دوستی خالص باشما داشته باشد؟ لطفاً کسی برای این سخنان من جوابی بنویسد.

جواب: متلک گفتن به دختران و زنان تنها مختص جوانان نیست، خیلی از غیر جوانان هم اینکار را میکنند، اما هر کسی چه جوان و چه غیر جوان که متلک می‌پراند، هیچ چیزی را نشان نمی‌دهد جز عقب ماندگی فکری، تحجر، کهنه اندیشیدن و ذهن عقبمانده خود در رابطه با مسائل جنسی و بخصوص تعلیمات و فرهنگ غلط خودش درباره زنان و دختران و نوعی حس برتری بر زنان، همین. حالاً مسئله تجاوز به حریم دیگران که جای خود دارد، به همین دلیل یک سه کافی مذکر به هیچوجه نباید به خودش اجازه دهد که به کسی متلک بگوید یا از پشت انگشت به کسی برساند. این فرهنگ غلط را ما باید کنار بگذاریم.

اصلاً ما ایرانی‌ها (اکثر ماها) معنی دوست پسر یا دختر داشتن را نمی‌دانیم. دختر و پسری که همدیگر را می‌بینند و حس میکنند که از هم خوششان می‌آید، افکار یا علاقه‌مندیهای مشابه یا بالاخره چیزهایی که آنها را به هم نزدیک میکند، دارند. خوب رابطه دوستی برقرار میکنند، با هم به سینما می‌روند، با هم تفریح میکنند، کتاب رد و بدل میکنند و..... یعنی نیازهای روحی-روانی و انسانی خودشان را پاسخ میدهند، تو همین چارچوب یک نیاز جنسی هم هست که اگر دو طرف خواستند، با هم سکس میکنند و این نیاز را هم جواب میدهند و گرنه خیلی از دوستیها ممکن است سالها ادامه یابد ولی هر کدام نیاز جنسی خودش را در جای دیگری سیراب کند و این هیچ اشکالی ندارد.

درباره دخترها، خوب تعالیم کهنه جامعه درباره دختری که دوست پسر میگیرد و با غریبه رابطه برقرار میکند و امثال اینها یک مشکل است، مشکل دیگر فشارهای خانواده است، مثلاً آیا شما حاضرید که خواهر شما دوست پسر انتخاب کند، بیاوردش خانه و به شما معرفی کند و مثلاً

تعطیلات هفته را با دوست پسرش در یک شهر دیگر بگذرانند؟ اگر جواب شما مثبت است، به راستی شما یک سه‌کافی هستید و به شما آفرین می‌گویم. اگر هم قبول ندارید، خوب هر کسی بهتر است اول از خودش شروع کند.

این دیگه چه وضعی است؟

من می‌خوام بدونم آخه این چه وضعیه، آخه تو کدوم کشور و مملکت اجازه دارن بدون هیچ اتهامی به آدم توهین کنن؟ روز ۱۹ اسفند من و چندتا از دوستانم (همه پسر) سر میدون شهرک غرب وایساده بودیم که یه دفعه یه دونه از این بنزهای جدید که برای حفظ نظام اومدن، جلو ما ترمز کرد و چهار نفر از توش پیاده شدن و ما رو هل دادن رو ماشین و پاهامونو باز کردن و دستامونو گذاشتن رو ماشین و همه جاهامونو گشتن و بعد که هیچی پیدا نکردن، گورشونو گم کردن. آخه من می‌خوام بدونم ما جوونا تا کی می‌خوایم این وضع رو تحمل کنیم؟ من و دوستانم هرچه میتونیم انجام میدیم که اینا گور خودشونو گم کنن و برن و مملکت ما آزاد بشه. باور کنیم مثل اشغالگر عمل میکنن که هی میخوان قدرت خودشونو به رخ بکشن و روحیه رو خراب کنن. اما کور خوندن، من و دوستانم هرچه که درتوان داریم انجام میدیم تا ما هم یه کشور آزادی داشته باشیم و می‌خواستیم از بقیه جوونا هم خواهش کنم که بیشتر تلاش کنین. امیدوارم که مردم هم ما رو حمایت کنن.

افسر پلیس: ما چوب دو سر نجس هستیم.

من یه افسر پلیس هستم و از بازدید کنندگان سایت شما. سایت خوب و جالبی دارید اما یک گله هم از شما بکنم و آن اینکه پلیس و نیروی انتظامی را خیلی می‌کوبید. ببینید ما نظامی‌ها مثل چوب دو سر نجس هستیم، هم از طرف ملت و هم از طرف رژیم مورد تنفر هستیم. ملت فکر میکنن که ما با رژیم هستیم و رژیم فکر میکند که ما با ملت هستیم. کل نیروی ارتش انتظامی دست آخوندها سپاه هستش، همه رو عقیدتی می‌چرخونه و آنقدر به ما زور میگن که حد نداره. مردم هم آنقدر به ما فحش میدن که حد نداره، برا چی؟ چون ما مجبوریم حرف آخوندها را گوش کنیم تا صنارشاهی آخر برج به ما بدن. حالا همه میگن یاد

محمد رضا به خیر، بقیه مطالب رو خودتون درک کنین.

بی خاصیت ترین عضو

طبق کتابهای زیادی از جمله "تاریخ تمدن" نوشته ویل دورانت بی خاصیت ترین عضوی که تاکنون پزشکان تو بدن انسان پیدا کرده اند، همان پرده بکارت است. حتی در ایران قدیم داشتن پرده بکارت یک عیب حساب می شده (مانند اکثر مناطق دنیای کنونی) در قدیم پرده را دلیل سرد مزاجی یا حتی بیماری یک دختر میدانسته و در بعضی از قبایل شوهران عیب میدنستن که شب از دواج پرده بکارت همسر خودشون رو پاره کنن و خونی زمین بریزن. به همین دلیل مردان خاصی در قبیله وجود داشته اند که این کار رو برای آنها انجام می دادند. کم کم، مردها از "این عضو بی خاصیت" بعنوان یک حربه برای تحت سلطه در آوردن مردان دیگر استفاده میکردند، زیرا بنا بر حس مالکیت که نسبت به همه چیز داشتن، میخواستن که زنان اونها هم فقط مخصوص خودشان باشد و این حس مالکیت زن و غیرت امروزی از همانجا ریشه گرفته است. مردم با فرهنگ و امروزی باید عاقلانه و منطقی به این مسائل فکر کنند و حس مالکیت به زن یا خواهر یا مادر را از خود دور کنند.

دوستی خواهر و برادر در خانه

من میخوام در بارح مطلب مریم خانم در شمارح قبلی بگم اینکه برادرها خودشونو بهتر از خواهراشون میدنوو، به خود خواهر هم بستگی داره چون من خودم دوتا خواهر دارم، یکبار هم که یکی از دوستانم با یکی از خواهرام دوست شد، هیچکس با این موضوع مشکلی نداشت. اینکه فکر میکنین همه پسرها خودشونو بهتر از دخترها میدونن، اصلاً درست نیست. شما اگه از همون اول برادرتون رو امین خودتون بدونین، اون هم خودشو دوست شما میدونه، چون خیلی از دخترا خودشو دور میگیرن. من و دسای پسر، هیچکدوم خودمون رو بهتر از خواهران خودمون نمی دونیم. و دیگه اینکه یکسری از پسرها به دخترها کس میگن این بستگی به طبقه و شخصیت اون پسرها داره چون تعداد کمی از پسران این اصطلاح را بکار می برند و در آخر

مرسی بخاطر راه حل‌های خوبی که دادین.

۱۲- ملاحظات شما (قسمت دوم)

اینهمه مشکل و عذاب روحی بی خود برای دختران

سلام، من یک زن ۳۲ ساله هستم و باور کنید تا ۲۰ سالگی با هیچکس سکس نداشته‌ام. فقط یکبار یک دوست پسر داشتم آنهم برای مدتی کوتاه که به سکس نرسید، چون خانواده‌ام بو برده بود و حسابی کتک خوردم که تمام صورتم ورم کرده بود و تا مدتی نمی‌توانستم از خانه بیرون بروم. چندوقت بعد بر اثر سانحه‌ای متوجه شدم که خونریزی دارم که فهمیدم به پیرودم مربوط نمی‌شه. دو سه روز اولش آنچنان وحشت و اضطراب داشتم که باور کنید داشتم دیوانه می‌شدم، چون حدس می‌زدم پرده‌ام پاره شده، بعدش هرطوری بود مادرم فهمید که حالم خوب نیست و جریان را به او گفتم. خلاصه رفتیم دکتر و بله، گفتند که پرده‌ام پاره شده، اما مدرک ندادند، نمی‌دانم چرا. آمدیم خانه و روز بعد بدون مقدمه و با روحیه شکسته، آنچنان زیر مشت و لگد پدرم قرار گرفتم که باور کنید اگر میتوانستم، او را خفه می‌کردم. خوشبختانه بعدها با مردی ازدواج کردم که فهمیده و خیلی آقا بود و پرده نداشتن من برایش مسئله‌ای نبود، مردها و پسرای که این مطلب را میخوانند، خودشان را یک لحظه جای من قرار دهند و بعد درباره این مسئله نحس پرده و باکره‌گی دختران قضاوت کنند که از بابت این مسئله چه رنج و دردی که ما دختران و زنان که تحمل نمی‌کنیم. چرا نصف جمعیت مملکت ما یعنی زنان باید اینقدر ذلیل باشند؟ من خیلی خوشحالم که از طریق یک دوست بسیار صمیمی با این سایت آشنا شده‌ام و خیلی چیزها یاد گرفته‌ام و امیدوارم شرایط فرهنگی ما روزی بهتر از این باشد که حالا داریم.

تذکره به بعضی از جوانان

از آنجا که شما به مسائل فرهنگی بها می‌دهید، از شما خواهش میکنم در مورد شوخیهای نابجای بعضی از جوانان با مسائل مهم و جدی تذکراتی بدهید:

۱- تعدادی از پسران توی چت روم، خود را به اسم دختر معرفی میکنند و چت را یک مکانی برای شوخی کردن و دست انداختن دیگران میدانند، البته بعضی از دختران هم به دلائلی که شما خود میدانید، اینکار را انجام میدهند و اسم پسر انتخاب میکنند. این باعث میشود که عده‌ای از چت کردن زده شوند.

۲- من گی نیستم ولی در میان دوستانم بعضی از آنها ادعای گی بودن میکنند ولی وقتی به آنها فیلم یا مطلبی در مورد گی‌ها می‌دهم، حالشان به هم می‌خورد و به دلیل پائین بودن سطح دانش آنها در زمینه‌های مسایل جنسی میگویند که این گی‌ها آدمهای کثیفی هستند. در واقع میخواهم بگویم که این دوستان من فقط ژست گی‌ها را میگیرند، البته این فقط در بین دوستان من نیست، بلکه در ایران عزیز ما خیلی‌ها گی بودن را برای شوخی کردن بکار میبرند و آن دسته از افرادی که واقعاً گی هستند، نمی‌توانند به کسی اطمینان کنند. خواهش میکنم که همه به این مسائل توجه کنند قبل از اینکه زخمها عمیقتر شوند.

نهضت سه کاف را فراگیر کنیم

توی سه کاف تنها جایی است که بین پسرها و دخترها هیچگونه فرقی نگذاشته است، فقط تاسف میخورم به اینکه در کشور ما خیلی از مردم بخصوص اونها که اصلاً توی سکس چیزی سرشون نمی‌شه، به اینترنت دسترسی ندارند و نمی‌توانند این مطالب را یاد بگیرند، از اونهایی که دسترسی دارند، خواهش میکنم به کسانی که دور و برشان هستند و به سه کاف یا کلاً اینترنت دسترسی ندارند، این مطالب و اطلاعات را هم برسانند- بخصوص به خانمها- که خیلی از آنها تا آخر عمر طعم واقعی سکس را نمی‌چشند و فکر میکنند که این گزینه فقط برای حمله شدن است. یه چیز دیگه هم بگم و اون اینه که ما جوونها نمی‌تونیم در خانواده‌ها راحت باشیم و یک دوست پسر یا دوست دختر داشته باشیم، تقصیر خودمونه چون از خانواده‌ها میترسیم و فکر میکنیم هرچی اونا بگن درسته. من میگم باید از تجربیات اونها استفاده کنیم ولی نباید اجازه بدیم که تو زندگی ما دخالت کنن. باید جلوشون بایستیم و بگیم این فکرها مال زمان شما بوده! و نگران هم نشید

که از دستتون دلخور میشن، اگه اونا حق به گردن شما دارن، شما هم انسانید، نمیتومنن که حق انتخاب و زندگی را از شما بگیرن. تازه میخواستن بچه دار نشن، خوب، حالا که شدن، مسئولیت بزرگ کردن بچه با آنهاست ولی نه اینکه فکر کنن یه انسان مطیع و فرمانبردار برای خودشون درست کردن.

شما با خودتان در تناقضید

به نظر من شما دارید همان راهی را میروید که خیلی وقت پیش شکست خورده.... شما در دادن اطلاعات به مردم پیشتازید...انصافاً که اطلاعات جنسی که در اختیار مردم قرار میدهید خوب است....اما شما باید توجه داشته باشید که این اطلاعات به تنهایی کافی نیست....این گفته سردبیر محترم خودتون میباشد.....پس سعی کنیداطلاعاتی صحیح به مردم بدهید، شما هم نمیخواهید مردم بدونن که حقی ازشون به توسط مذهب ضایع شده؟!!!!!!! همیشه فقط با این جمله که ما به تمام تفکرها در مورد دین احترام میگذاریم، از این مطلب چشمپوشی کنیم که اسلام با آزادی زنان چقدر منافات دارد. می دونم که دیگه حرفای من و امثال منو تو مجله اتون منتشر نمیکنید....،چون حس میکنید که خوانندگان مذهبی شما کم میشن.... اما اگه اونها هم یک کم با فکر به موضوع نگاه کنن که مظهر چه بر سرشون آورده نه اینکه خوانندگان شما کم نمی شن بلکه تعدادشون هم زیاده تر میشه.... به هر حال اگر شما به آزادی فکر میکنید و به هر طرز تفکری بها میدهید حداقل نظر من و افرادی مثل من را در سه کاگف چاپ کنید و هم نظر مذهبیون را تا خوانندگان خودشان قضاوت کنند که کدام راه درست است.

تلویزیون سه کاف

آیا این امکان داره که شما دست اندرکاران سه کاف وقتی که ایران به امید خدا آزاد شد یک تلویزیون مانند سایت خود و یا مثل چند شبکه که در آنها فقط درباره سکس صحبت میشود و فیلمهای سکسی نشان میدهند، درست کنید؟ به نظر من کشور ما هم نیازمند چنین

چیزی میباشد و بهره‌ته که شما تجربیاتی که از سه‌کاف بدست آوردین یک چنین تلویزیونی هم راه بندازید. به امید آرزو و به امید آزادی ایران.

جواب: بدون شک روزی که یک ایران آزاد و آباد داشته باشیم، آرزوی شما برآورده خواهد شد، اما اینکه ما گردانندگان سه‌کاف اینکار را انجام دهیم، قول نمی‌دهیم.

تا کی باید تحمل کنیم؟

میخواستم بدونم آخه ما تا کی باید منتظر باشیم تا یه روزی برسه که ما باخیالت راحت بتونیم دست زیدمون رو بگیریم و با هم خوش باشیم؟ تا کی باید با ترس از اینکه پلیس ۱۱۰ بیاد و گیر بده که این دختر کی هست، همینجوری تو کوچه‌پس‌کوچه‌ها قدم بزنینم؟ تا کی باید این مسائل رو از همه مخفی کنیم، بابا ما هم دل داریم و عاشق زیدمون هستیم و با یه دنیا هم عوض نمی‌کنیم. بخدا اگه شما سایتهای اینترنتی نبودین، ما جوونا باید الان خودمون رو از دست اینها دار میزدیم. باز خوبه که شما هستین و ما میتونیم با شما درد دل کنیم.

اولین انقلابی

سلام، من علی هستم، از طرفداران سه‌کاف و حاضر تمام تلاشم را هم برای به تحقق پیوستن اهداف آن انجام دهم. من دانشجو هستم و در شهر مشهد زندگی می‌کنم. در ایران نوعی ترس از بیان اخلاق و عادات جنسی وجود دارد که ناشی از حکومتی شیخ‌هاست و من قصد دارم تا بعنوان اولین انقلابی ایران به این ترس خاتمه دهم. تا کی باید از ترس بر خود بلرزیم و میل جنسی را در خود سرکوب کنیم؟..... من همجنسگرا هستم و از گفتن آن اصلاً نمی‌ترسم. البته با دختران هم سکس داشته‌ام ولی اصلاً به من نمی‌چسبد و لذتی نمی‌برم. در ضمن این را هم بگویم که من دوست دارم مفعول باشم و از اینکار خود هم نه تنها بدم نمی‌آید بلکه خیلی هم لذت می‌برم، از لیسیدن و خوردن کیر با دهان هم خوشم می‌آید. من بدون خجالت و ترس گرایش و تمایل

جنسی خود را به شما خوانندگان سه کاف مطرح کردم، تا ببینم که انقلابی
بعدی کیست؟

۱۳-مطب دکتر امیر

-

قرص روز بعد

در این شماره میخواهم درباره قرص روز بعد مطلب بنویسم اما قبل از آن
میخواهم مطلبی درباره خداحافظی سه کاف بنویسم:

تقدیم به صمیمی‌ترین دوست جوانان

به شما عادت کرده بودیم. همیشه منتظر بودیم که این شماره کی چاپ
میشود تا اطلاعات مفیدی بگیریم. سالها بود به دنبال یک چنین دوستانی
می‌گشتیم و خوشحال بودیم که این دوست را پیدا کردیم.

اما امروز روز خداحافظی است. روز تلخ جدایی. خوب میدانم که دوست
بسیار خوبی را از دست میدهم. میدانم که دوباره تنه‌ایم. اما خوشحالم
از اینکه مرا با راهی آشنا کردید که بتوانم بهتر زندگی کنم، بتوانم از این
زندگی لذت ببرم، مرا با خود آشنا کردید.

سه کاف عزیز، در این چند ماه، تنها کاری که میتوانستیم انجام دهیم، تشکر
بود و تشکر. من از جانب تمام پزشکان و متولیان امر بهداشت به شما خسته
نباشید می‌گویم.

ما پزشکان به زحمات شما ارج می‌نهیم و برای شما در تمام مراحل زندگی
آرزوی موفقیت و شادکامی داریم. امیدوارم در این سال پیوسته شاد و خرم
باشید.

دکتر امیر.

=====

قرص روز بعد

این روش یکی از بهترین روشهای جلوگیری از بارداری است. این روش وقتی
انجام میشود که شما یک آمیزش ناخواسته داشته باشید یا مثلاً در حین آمیزش

کاندوم پاره شده باشد و.....

در این روش شما باید حداکثر ۷۲ ساعت بعد از آمیزش دو عدد قرص HD را یکجا بخورید و ۱۲ ساعت بعد دو قرص HD دیگر میل نمایید.

اگر این قرص در دسترس نبود، میتوانید بجای دو قرص HD از چهار قرص LD استفاده کنید. با خوردن این قرصها احتمال حاملگی به میزان ۹۹ و نیم درصد (۰.۹۹۵٪) از بین می‌رود.

چنانچه در اثر مصرف این قرصها، حالت تهو شدید ایجاد شود، میتوان یک آمپول ب.۶ (B6) تزریق نمود.

اگر چند روز پس از مصرف این قرصها قاعدگی پیش آمد، امری طبیعی است و نشانه برطرف شدن احتمال حاملگی است. موارد ممنوعیت استفاده:

در مواردی که در زیر ذکر میشوند. استفاده از این روش ممنوع است:

۱- سابقه سکته قلبی یا مغزی.

۲- زنان سیگاری چاق که بالای ۳۵ سال سن دارند.

۳- اگر ۷۲ ساعت از زمان آمیزش جنسی گذشته باشد.

۴- زنانی که دیابت دارند.

۵- در کم‌خونی‌های پاتولوژیک (از جمله بخاطر اختلال کارکرد سلولها و مغز استخوان ناشی میشود).

۶- افرادی که فشارخون دارند

۷- سن بالای ۴۰ سال.

مواردی که بهتر است از این روش استفاده نشود:

در این موارد بهتر است از این روش استفاده نکنید، اما اگر راه دیگری وجود نداشت، میتوانید با احتیاط استفاده کنید:

۱- آسم

۲- افسردگی

۳- صرع

- ۴-میگرن
۵- نارسایی کلیوی
۶- واریس
۷- زیادی چربی خون.
شاد باشید
دکتر امیر

=====

سفارش به همهٔ دوستان : همواره برای مشکلات جنسی خود
به پزشکان مراجعه کنید تا جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

۱۴- قلب کسی را نشکنید

من همیشه از دوست شدن یه پسر و دختر عقیدم این بود که هر دو باید عاشق هم باشن. البته بعد از شناخت کامل روی همدیگه... سرتون رو درد نمیآرم.... این قصه عشق منه که اون خرابش کرد... عشقی که شاید با همه حال و هوای سکسی اش می شد که به سرانجام برسه..... حالا براتون تعریف می کنم... اون لحظات قشنگ و اون.....

من و امیر حدود یکسال و نیمی بود که با هم دوست بودیم و امیر از همون لحظهٔ اول مزهٔ سکس رو بهم نشون داد.... یادمه اون اوائل از لمس کیرش هم چندش می شد...اما... اون عقیده‌هایی داشت که من رد میکردم..... اون می گفت که برا ازدواج دو نفر باید تو سکس به تفاهم برسن.... من هرکاری رو واسه ثابت کردن عشقم به اون انجام میدادم..... چندین بار هم از هم جدا شدیم اما او دوباره برمیگشت. بعدش من با خودم عهد کردم که دیگه کاری نکنم که ناراحتش کنم. از اونجایی که امیر به سکس اهمیت زیادی میداد من هم سعی کردم با اخلاقیات سکسی اون مخالفت نکنم، آخه من همیشه باهانش سر همین موضوع مشکل داشتیم... اوایل یه کم سخت بود، اون از اینکه من کیرشو بخورم

خوشش می‌اومد، اما بعد از آن همه قهر و آشتی، تو همون اولین ملاقات آشتی مجدد چنان کیرش رو خوردم که باورم نمی‌شد خودم هستم..... تا اون موقع که با سه کاف آشنا شد و ایا دیگه دگرگون شدم، خیلی زیاد.... من دیگه از خوردن کیر نه تنها بدم نمی‌اومد بلکه عاشق کیر خوردن شدم؛ آخ خداجون، کیر چه نعمتی است و چقدر حال میده! اون روز بعد از کلاس باهاش قرار داشتیم... و ایا دل تو دلم نبود و دلم براش یه ذره شده بود. بعضی دوستانم از پسرای که بدنشون مو داره خوششون می‌اد اما من از پسرای خوشم می‌اد که بدنشون مو نداره... امیر هم از همون پسراست. سر قرار همدیگه رو دیدیم و رفتیم خونه. بلند شدم و بغلش کردم. اون هم منو بلند کرد طوری که کیرش درست رو کس‌ام جا گرفت. آخ، یاد اون لحظات هم کافیه تا منو خیس کنه. خلاصه تو بغل هم همانطور که امیر منو بلند کرده و تو بغل گرفته و کیرش هم جای حساس، هی لب گرفتیم، پشت سر هم. بعدش دراز کشیدیم و یگراست رفتیم سراغ کیرش که دلم براش تنگ شده بود. هی سرشو لیسیدم و بعد بردم تو دهنم، هی با دستام با تخماش بازی کردم، هی قورت دادم و هی کیرشو خوردم. چه خوشمزه!!!! بهم گفت آبم که داره می‌اد بهت بگم؟ گفتم بگو (آخه اونقدر جو سه کاف منو گرفته بود که می‌خواستیم آب کیرشو بریزه تو دهنم) خلاصه اونقدر اون کیر داغ و خوشگلشو خوردم که یهو آبش اومد و همشو ریخت تو دهنم.... بعدش دستمال آورد و من آبشو تو دستمال خالی کردم.... بعد دوتا شکلات خوردیم. یه کم هم دراز کشیدیم و بعد دوباره من هوس لب کردم. کیر ناز نازیش هنوز نیمه خواب بود، ولی بازم رفتیم سراغش، خوردن کیر خوابیده هم حالی داره که نگووووووووو..... وقتی کیرش دوباره شق شد، امیر بلند شد و منو رو کمر خوابوند و شروع کرد به خوردن و لیسیدن گردنم و

لبام و همینطور رفت پائین و سینه هامو با یه دست گرفت و هی میخورد..... بعدش عکس هم خوابیدیم جوری که سر من رفت لا پای اون و سر اون لا پای من. بعدش امیر بلند شد و نشست و من طوری رو کیرش خم شدم که دست امیر به لاپام برسه. هی من کیرشو میخوردم و اون هی کسم رو با دست و انگشتاش می مالید و گاهی هم انگشتاشو میکرد تو. نگو که چه حالی میده، اینقدر ادامه دادیم تا ارگاسم شدم، امیر هم آبش که اومد گفتم این دفعه بریزه رو دهنم که همین کار رو کرد و بعد با دستمال همه رو پاک کرد و لپم رو بوسید و هر دو مون دراز کشیدیم.

حالا یه مدتی اسی که من با امیر که عشقم بود دیگه دوست نیستم اما از همینجا از همه پسرا میخوام که اگه دختری دوستتون داره، خودتونو نگیرین.... به خدا طرفتون جوری میشکنه که دیگه هیچ عشقی نمی تونه قلب شکسته اونو درست کنه.

۱۵-ستون فرهاد ۱۸ ساله

باز هم سلام.....

اول اینکه عید همه اتان مبارک و امیدوارم سال بسیار خوبی را در پیش داشته باشید و در این سال جدید موفق و سر بلند باشید.

در مقاله قبلی پیشنهاد دادم که برای حذف مشکل در مورد داشتن دوست پسر و دختر بریم بشینیم و با پدر و مادرمان حرف بزنیم، بلکه بتوانیم آنها را راضی و هم عقیده خودمان کنیم. نمی دانم آیا چنین کاری را کردید یا نه و اگر هم کردید آیا موفق بودید یا هنوز آش همون آشه و کاسه همون کاسه و شاید هم آن آش داغتر شده!!!؟؟؟؟؟
یک موضوعی است که بهتره الان بگم و آن اینکه این ستون مخصوص این حرفا نیست و حتماً نباید حرفایی که مربوط به مشکلات است در

آن زده شود، بلکه ما همه جور حرف خواهیم زد!! و موضوع دیگر اینکه کسانی که نامه فرستاده‌اند و خواستند که به آن جواب داده شود من سعی می‌کنم در همین ستون خلاصه به آنها جواب دهم و بدانند که من نمی‌توانم جواب را بطور خصوصی برایشان بفرستم مگر اینکه واقعاً آن مطلب خصوصی باشد.

دوستی نامه‌ای فرستاده بود که مادر یا پدرش به این علت او را از دوستی با شخص دیگر منع کرده‌اند زیرا بر این باورند که این کار به درس فرزندشان لطمه خواهد زد، این مطلب درست است مگر اینکه این دوستی از حد و مرز خودش خارج نشود. مثالی می‌زنم:

فرض کنید که شما با کسی دوست شده‌اید و برای آن دوستی، خودتان را از تمام زندگی‌تان انداخته‌اید و همیشه به دوستان فکر می‌کنید، در این مورد شما در معرض خطر بدی هستید، شما مانند یک عاشق دیوانه می‌شوید که عشق را حاکم بر عقلش کرده است و اینکار در آینده نه چندان دور برایتان خطرناک خواهد بود. ولی اگر یک دوستی و عشق منطقی حکم فرما باشد آن لحظه می‌توان گفت که خوشا به حال آن دو دوست، زیرا در آن هنگام نه اینکه به زندگی هم لطمه نمی‌زنند بلکه هر کدام برای دیگری مانند یک حامی و همیشه پشتیبان خواهند بود. بگذریم.

بهتر است وارد بحث امروزیمان شویم، قبل از اینکه موضوع مقاله امروزی را بگویم بهتر است که یک مقدمه برای آن داشته باشیم:

من چند روز پیش در خانه یکی از دوستان یا بهتر بگویم در یک پارتی نسبتاً رسمی دعوت بودم، حدود شش دختر و چهار پسر بودیم که حوصله‌امان در آنجا داشت سر می‌رفت که من یک موضوعی را به آنها پیشنهاد دادم که بیاییم و مثلاً بگوئیم آیا دوست دختر یا پسر داریم و بسیاری از موضوعات دیگر که چون همه بیکار بودیم مورد استقبال قرار گرفت و در آخر بحث آن چنان

داغ شده که افراد دیگر هم به ما اضافه شدند به طوری که در پایان عده ما به ده پسر و هیگده دختر می‌رسید. این بحث حدود ۹۰ دقیقه به طول انجامید که در موارد زیر بحث شد:

من گفتم که از دوستانمان (منظور دوست پسر یا دخترمان) بگوئیم، بگوئیم که رابطه ما با آنها چگونه است، آیا تا حالا با هم سر قرار رفتیم و اصلاً تا حالا آیا از هم لب گرفته‌ایم؟ آیا مسئله دوستی‌امان را با پدر و مادر خود مطرح کرده‌ایم و عکس‌العمل آنها چگونه بوده است؟ و آنهایی که سن بالایی دارند هم آیا قصد ازدواج با دوست دختر یا پسر خود دارند یا نه؟ اگر نه، تا کی می‌خواهند دوستی‌اشان را ادامه دهند؟؟

شرح کامل سئوالات و جواب آنها در این مقاله جایی ندارد ولی من می‌خواهم از این به بعد به توضیح هر یک از این مسائل بپردازم و آنها را باز کنم و نتایج بسیار جالبی که از این بحث بدست آورده‌ام را بگویم. سؤال آخر من در آن بحث این بود که آیا با هم قصد ازدواج دارند یا نه که این مسئله به دوستان بالای ۲۰ سال برمیگردد.

ولی آیا به این مسئله فکر کرده‌اید؟؟ یک دوستی را باید تا کی ادامه داد و آیا باید در پایان آن دوستی به ازدواج بکشد یا نه؟ ازدواج و دوستی دو مسئله کاملاً جدا از هم می‌باشند و نمی‌شود آنها را با هم تطبیق داد زیرا ازدواج مسئله یک زندگی مشترک و طولانی مدت استو گاهی خیلی اختلافات و دعوا هم در آن هست و حیف است که در این مدت دوستی، بجای داشتن یک زندگی بسیار شیرین و توام با عشق، اختلاف و عدوا بوجود بیاید!! ولی تکلیف دوستی‌امان چه میشود؟ در کشورهای اروپایی وقتی پسر و دختری با هم دوست می‌شوند، دوستی‌اشان طوری نیست که اگر روزی از هم خواستند جدا شوند آن پسر خودکشی کند و یا دختر با خوردن سم خود را بکشد. از طرف دیگر این فرهنگ بد ما را هم ندارند که به محض اینکه آن پسر تصمیم به ازدواج گرفت، برود و

دختری را بگیرد که کاملاً مطمئن است این دخیت پرده دارد و هنوز باکره است، درحالی که قبل از این کار خود او تعدادی از دختران دیگر را بی پرده کرده و حالا آن بیچاره‌ها را به امان خدا ول کرده است. این حرف من حرف خیلی از دخترانی است که در آن بحث شرکت کردند و حرف خیلی از دختران دیگر هم هست. ولی بیچاره آن دختری که راه حل مشکل خود را فقط دو چیز بداند: خودکشی یا فرار از خانه..

اگر هم از من می‌شنوید به این مسئله کمی فکر کنید و دیگر اینکه در دوستی خودتان علاوه بر عشق، ترکیب عقل و عشق را بکار ببرید تا در آینده دچار مشکل نشوید. من نمی‌گویم عشق را کنار بگذارید بلکه فقط کمی با تدبیر بیندیشید، آن وقت عشق معنا پیدا می‌کند. امیدوارم همه عشق‌ها در میدان زندگی بدرخشند و پیروز میدان را ترک نکنند.

موفق باشید.

فرهاد

۱۶- درد و ناراحتی حین سکس؟

چندین نامه از دختران و زنان دریافت داشته‌ایم که در حین سکس درد زیادی احساس میکنند و علیرغم میل آنها به سکس و هماغوشی، اما تجربه درد مانع اینکار میشود. به همین دلیل تلاش میکنیم در زیر به این مسئله بپردازیم.

در زبان انگلیسی، درد در حین سکس را **Dyspareunia** مینامند. یافتن اصطلاح مناسب فارسی را به افراد وارد در زبان واگذار میکنیم. هیچکسی نباید در حین سکس درد و ناراحتی بکشد، به همین دلیل اولین توصیه به کسانی که که درد را تجربه میکنند، میگوئیم که اول

دست نگه دارید، سکس برای لذت، خوشی و کیف کردن است نه برای درد و رنج و الم. (مسئله سادومازوخیسم و سادیسم از این مسئله جداست.)

خود احساس درد در هنگام سکس، نشانگر این است که یه جای کار می‌لنگد. اما متأسفانه بسیاری گرفتار این مشکل هستند. دخترانی که برای اولین بار عمل دخول آلت پسرانه را در درون خود تجربه میکنند (دختران باکره) ممکن است خود پاره شدن پرده بکارت یا خود عمل دخول و خروج آلت مرد باعث احساس عدم راحتی آنها شود که شدت عدم راحتی یا درد به تجربه پسر(مرد) برمیگردد. برای جلوگیری از این مشکل، بهترین کار صحبت با همدیگر، آماده سازی هم و اعلام این مسئله که این اولین بار من است و تجربه ندارم و عمل دخول را با کمک و هماهنگی هم انجام دهند. در بسیاری از مواقع، شکل و شیوه " فعالیت و تحرک " شریک جنسی شما (مرد یا پسر) باعث این درد در خانمها میشود. مثلاً مثل افراد کس ندیده، تلمبه زدن یا همان عقب-جلو رفتن‌ها را خیلی تند و سریع و بدون توجه به احساس و تحمل شما انجام می‌دهد یا اینکه از یک زاویه نامناسب کیر خود را وارد کس شما کرده است. دلیل دیگر احساس درد، میتواند کمبود ترشحات آلت خود شما باشد. استفاده از یک سری داروها در کم کردن ترشحات واژن تاثیر نقش دارند. از آن گذشته، رسیدن به دوره یائسگی و تغییرات هورمونی ناشی از آن باعث کم شدن ترشحات واژن میشود. صحبت کردن با هم، " تغییر زاویه " دخول، یواش کردن عقب-جلو رفتن‌ها یک راه حل این مشکل است. راه حل دیگر استفاده از کرمهای

مخصوص لزوج کننده که در داروخانه‌ها یافت میشوند، یک راه حل مناسب دیگر است. (هر کدام بسته به نوع مشکل).

در بسیاری از مواقع، خودداری یک جفت از بوسه و معاشقه و ناز و لیسیدن و نوازش و خلاصه عدم آماده‌سازی بدن و تحریک ترشحات باعث خشک ماندن کس و عدم آمادگی آن برای استقبال از کیر طرف میشود، که به احساس درد و ناراحتی زن از سکس منجر میگردد. اگر دلیل ناراحتی و درد این باشد، به شما توصیه میکنیم که شماره‌های مختلف سه کاف را به دقت بخوانید، چون اطلاعات زیادی در اینباره خواهید یافت.

گاهی اوقات با وجود بکارگیری دهان و زبان و دست و.... برای تحریک و آماده سازی زن برای انجام عمل دخول ، اما بنا به عللی، واژن زن عکس‌العمل مناسب نشان نمی‌دهد (ترشحات لازم را انجام نمی‌دهد). یعنی واژن هنوز خمار است و زهدان هنوز " خواب آلود " باقی مانده، در نتیجه تماس و ضربه‌های یک کیر سفت را بر نمی‌تابد و باعث درد میشود.

برای حل این مشکل، مرد باید قبل از چپاندن کیر، از انگشتان خود استفاده کند و حسابی به تحریک واژن، اطراف و قسمتهای داخلی آن بپردازد. (با این شرط که نوازش و بوسه و تحریک چوچوله و معاشقه‌های قبل از آن و.... که در شماره‌های مختلف به آن اشاره کرده‌ایم را انجام داده باشند). بکارگیری انگشت یا انگشتان برای " تفحص " یک کس و سنجش آمادگی آن برای استقبال از معشوق دلخواه، یک راه خوب و مطبوعی است، چون هم بنوبه خود زن را تحریک میکند و هم خود مرد آمادگی زن را احساس میکند. (محیطی گرم، نرم، خیس و لزج و منبسط)

(بد نیست توی چشای هم نگاه کنید.)

گاهی انقباض شدید ماهیچه‌های کنار دهانه واژن هم باعث احساس درد و ناراحتی میشود. یک راه برای فهم این مسئله این است که خود زن یا دختر، با انگشت (انگشتان) خود را معاینه کند. یعنی با فرو کردن انگشت و لمس دیواره‌های واژن، متوجه میشود که آیا دیواره‌های اطراف حالت عادی دارند یا اینکه بیش از اندازه سفت و سخت و منقبض‌اند.

دلیل سفتی و سختی دیواره‌ها (یا ماهیچه‌های اطراف) معمولاً از اضطراب، نگرانی، ترس، واهمه، فشار روانی به زن، از جمله ناشی از توقعات بیجا یا نامناسب مرد از او در امور سکسی و امثال اینها ناشی میشود، یعنی مشکل یک عامل روانی دارد. تلاش برای انجام عمل هماغوشی در یک فضا و محیط مناسب، بوس و کنار و معاشقه طولانی و آماده سازی درست و حسابی دو طرف برای دخول، صحبت کردن با هم، کنار گذاشتن توقعات بیجا از همدیگر و... در اکثر موارد به حل مشکل منجر میشود، اما هستند زنان انگشت‌شماری که به ناچار بعد از آزمایش همه راههای گفته شده، باید به یک پزشک مراجعه کنند. عامل دیگر احساس درد و ناراحتی حین سکس، عفونت واژن (به دلایل مختلف) میباشد که راه حل آن مراجعه به پزشک است.

استفاده از کرم یا عطر در کس و اطراف آن ممکن است باعث واکنش حساسیتی واژن در تعداد کمی از زنان بشود. این را خود شما باید به تجربه متوجه شوید و عطر و کرم دیگری استفاده کنید یا کلاً اینکار را کنار بگذارید.

و در آخر نباید درد و ناراحتی ناشی از یک عامل مهم روانی را هم از یاد برد. زنان یا دخترانی که مورد تجاوز واقع شده‌اند یا بنا به آموزشها

و اعتقادات و یا فشارهای فرهنگی-اجتماعی-خانوادگی، از انجام عمل سکس احساس گناه و یا حتی آلوده بودن میکنند. بهترین راه برای غلبه بر این مشکل، بالا بردن آگاهی خود در باره مسائل جنسی، تلاش برای کنار گذاشتن اخلاقیات و آموزشهای محدود کننده، اعتماد منطقی متقابل به شریک جنسی خود، صحبت کردن با هم و تبادل تجربیات است (امیدواریم مردان طرف اینگونه زنان لیاقت اعتماد را داشته باشند و سو استفاده نکنند.) چنانچه باز هم نتوانستید این مشکل روانی خود را حل کنید، مشاوره با یک روانشناس یا روانپزشک را به شما توصیه میکنیم.